

کتاب دانیال - شماره یک صد و بیست و نه

آشکارسازی اهمیت نبوی: شاخ جمهوری خواه و آخرین حرکات

Jeff Pippenger

2024-03-11

ما آیهٔ چهل دانیال یازدهم را بررسی می‌کنیم و به خط نبوی آیهٔ چهل می‌پردازیم که با شاخ جمهوری خواهی مرتبط است. ما این تطبیق را بر «زمان آخر» استوار می‌سازیم که در سال ۱۹۸۹ فرا رسید. آن خط نمایانگر تاریخ ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه‌ای قریب الوقوع است، و با دورهٔ نبوی ۵۰۸ تا ۵۳۸ نمونه‌سازی شده است؛ زمانی که پاپیت نخست اقتدار یافت و در شورای اورلئان قانون یکشنبه را به اجرا گذاشت. همچنین با خط زمانی از تولد مسیح تا تعمید او نیز نمونه‌سازی شده است.

ما همچنین به آن خطوط، خط تاریخ نبوی موجود در آیهٔ دوم دانیال یازدهم را می‌افزاییم. در آنجا درمی‌یابیم که ششمین رئیس‌جمهور ایالات متحده پس از زمان آخر در سال ۱۹۸۹، دونالد ترامپ است؛ که بنا بر آیه، در انتخابات سال ۲۰۱۶ «همهٔ قلمرو یونان» (جهانی‌گرایی) را «به جنبش درمی‌آورد» (بیدار می‌سازد).

سپس شروع کردیم به بررسی ویژگی‌های نبوی مرتبط با سه قدرتی که اتحاد سه‌گانهٔ اژدها، وحش و نبی کذاب را تشکیل می‌دهند؛ اتحادی که از سال ۱۹۸۹، جهان را به سوی پایان زمان آزمایش، در نبرد روز عظیم خدا که هارمجدون است، رهبری می‌کند. ما این ویژگی‌های نبوی را بررسی می‌کنیم تا اوصاف سیاسی شاخ جمهوری خواه وحش زمین از مکاشفه باب سیزده را شناسایی کنیم. دو شاخ جمهوری خواهی و پروتستانیسم، با دو شاخ بر قوچ مادها و فارس، در دانیال باب هشت، به تصویر کشیده شده بودند.

پس چشمان خود را برافراشتم و نگریستم، و اینک در برابر نهر، قوچی ایستاده بود که دو شاخ داشت؛ و هر دو شاخ بلند بودند، اما یکی از دیگری بلندتر بود، و آن‌که بلندتر بود، بعدتر برآمد. دانیال ۸:۳.

ماد و فارس قدرتی دوگانه بود، چنان‌که فرانسه در انقلاب فرانسه بود، و ایالات متحده نیز هست. دو شاخ ایالات متحده جمهوری خواهی و پروتستانیسم است؛ اما آن وحش زمین با دو شاخ، از وحشی بره‌مانند در آغاز خود، به وحشی که در پایان خود مانند اژدها سخن می‌گوید، تغییر می‌یابد. دو خط نبوی شاخ به‌طور موازی با یکدیگر در دانیال باب یازدهم آیهٔ چهل امتداد می‌یابند، و هنگامی که با هم در نظر گرفته شوند، هر دو در زمان آخر در ۱۷۹۸ آغاز می‌شوند. هنگامی که شاخ‌ها به‌صورت جداگانه بررسی شوند، شاخ پروتستانیسم از نظر نبوی با زمان آخر در ۱۷۹۸ مرتبط است، و شاخ جمهوری خواهی با زمان آخر در ۱۹۸۹ مرتبط است.

هر دو شاخ دارای ماهیتی دوگانه‌اند، چنان‌که این امر به‌وسیلهٔ سنهدرین در زمان مسیح نمونه‌وار نشان داده شد که از صدوقیان و فریسیان تشکیل شده بود. صدوقیان لیبرال بودند و فریسیان محافظه‌کار، و با آنکه دشمنان آشکار یکدیگر بودند، در برابر مسیح بر صلیب با هم متحد شدند. در قانون یکشنبه که به‌زودی خواهد آمد، هر دو شاخ پروتستانیسم مرتد و جمهوری خواهی مرتد، در برابر سبت‌نگه‌داران وفادار روز هفتم مسیح، رابطه‌ای میان کلیسا و دولت برقرار خواهند کرد؛ اما همان‌گونه که این دو شاخ در طول تاریخ وحش زمین خیز پیش می‌روند، هر یک از این شاخ‌ها نیز مناقشه‌ای درونی دارند که با لیبرالیسم صدوقیان و محافظه‌کاری فریسیان به تصویر کشیده شده است.

اکنون شاخ جمهوری خواهی را بررسی می کنیم، و اینک توجه کنید که حزب دموکرات ریشه های خود را تا همان آغازهای تاریخ ایالات متحده دنبال می کند. این حزب در سال ۱۸۲۸ تشکیل شد، اما خاستگاه های سیاسی آن به توماس جفرسون و جیمز مدیسون بازمی گردد. بر طبق شهادت دو شاخ ماد و فارس، حزب جمهوری خواه در سال ۱۸۵۴، در مخالفت با موضع طرفدار برده داری حزب دموکرات، تأسیس شد. بنابراین، آن شاخ «بلندتر» در باب هشتم دنبال بود، زیرا آن شاخی بود که بعدتر برآمد.

درباره ماهیت دوگانه شاخ جمهوری خواه، حزب دموکرات نخست پدید آمد و حزب جمهوری خواه پس از آن برخاست. مسئله ای که به پیدایش حزب جمهوری خواه انجامید، موضع ضد برده داری آن در مخالفت با موضع طرفدار برده داری حزب دموکرات بود. مضمون مشترک هر دو شاخ، یا بردگی سیاسی است یا بردگی روحانی. از همین رو، سال ۱۸۶۳ برای هر دو شاخ به نقطه عطفی بدل شد. در سال ۱۸۶۳، شاخ جمهوری خواه آزادی بردگان را اعلام کرد، و مقاومت حزب دموکرات در برابر آن آزادی، نه تنها به تثبیت رسمی حزب جمهوری خواه انجامید، بلکه جنگ داخلی ایالات متحده را نیز پدید آورد. در سال ۱۷۷۶ ایالات متحده سخن گفت و بردگی هم پادشاهان اروپایی (حکومت مدنی) و هم پاپ (حکومت کلیسایی) را رد کرد. سپس در سال ۱۷۸۹، هنگامی که قانون اساسی به اجرا درآمد، ایالات متحده سخن گفت. آن وحش زمین عملاً «سیل» آزار و شکنجه پاپی و سلطنتی اروپا را «فرو برده بود».

و مار از دهان خود در پی آن زن، آب را چون سیلابی بیرون افکند تا او را به سیلاب گرفتار سازد و ببرد. و زمین زن را یاری کرد، و زمین دهان خود را گشود و آن سیلاب را که از دهان خود افکنده بود، فرو بلعید. و از دهان بر زن خشمگین شد و رفت تا با باقی ماندگان نسل او، که احکام خدا را نگاه می دارند و شهادت عیسی مسیح را دارند، جنگ کند. مکاشفه ۱۵: ۱۲-۱۷

سپس، در هنگام پیدایش ایالات متحده به عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس در سال ۱۷۹۸، ایالات متحده بار دیگر سخن گفت، و بدین سان آنچه را که ایالات متحده در پایان خواهد گفت در تاریخ به ثبت رسانید؛ زیرا عیسی همواره پایان را با آغاز به تصویر می کشد. وحش زمین در قانون یکشنبه ای که به زودی خواهد آمد، همچون اژدها سخن خواهد گفت، و چون چنین کند، دیگر ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس نخواهد بود. آنچه در آغاز خود به عنوان پادشاهی ای از نبوت کتاب مقدس در سال ۱۷۹۸ گفت، نمایانگر آن چیزی است که بار دیگر خواهد گفت، آنگاه که همچون اژدها سخن بگوید.

قوانین مهاجرتی ۱۷۹۸ که به «قوانین بیگانگان و فتنه» معروف اند، مجموعه ای از چهار قانون بودند که در سال ۱۷۹۸ توسط کنگره ایالات متحده به تصویب رسیدند و به امضای رئیس جمهور جان آدامز به قانون تبدیل شدند. این قوانین عمدتاً به مسائل مربوط به بیگانگان (اتباع خارجی) مقیم ایالات متحده می پرداختند و در آن دوره تأثیر چشمگیری بر مهاجرت داشتند. این چهار قانون عبارت بودند از:

قانون تابعیت ۱۷۹۸: اس قانون نے تارکین وطن کے لیے ریاستہائے متحده کے شہری بننے کی رہنمائی مدت کی شرط کو پانچ برس سے بڑھا کر چودہ برس کر دیا۔ اس نے تارکین وطن کے لیے شہری بننا اور سیاسی عمل میں لینا زیادہ دشوار بنا دیا۔

قانون دوستان بیگانه: این قانون به رئیس جمهور اجازه می داد در زمان صلح، هر غیر شهروندی را که «برای صلح و امنیت ایالات متحده خطرناک» تشخیص داده می شد، اخراج کند. این قانون در اخراج بیگانگان، اختیار گسترده ای به رئیس جمهور می داد.

قانون دشمنان بیگانه: اس قانون نے صدر کو یہ اختیار دیا کہ وہ جنگ کے زمانے میں کسی دشمن ملک کے کسی بھی مرد شہری کو گرفتار کرے، حراست میں رکھے، اور ملک بدر کرے۔ یہ بنیادی طور پر دشمن ممالک سے تعلق رکھنے والے ممکنہ جاسوسوں یا تخریب کاروں کو ہدف بنانے کے لیے وضع کیا گیا

تھا۔

قانون فتنہ: ہرچند مستقیماً بہ مہاجرت مربوط نبود، قانون فتنہ انتشار اظہارات کاذب، افتراء آمیز یا مغرضانہ علیہ دولت ایالات متحدہ، کنگرہ یا رئیس جمہور را، با قصد بدنام کردن آنان یا بی اعتبار ساختنشان، جرم می شمرد۔ از این قانون برای سرکوب مخالفت سیاسی و انتقاد استفادہ می شد۔

جَوهرُ قوانینِ الأجانبِ والفتنۃ فی بدایۃِ الولاياتِ المتحدۃ بوصفہا المملکۃ السادسۃ سنۃ 1798، یُحدِّدُ بوضوح قصدِ دونالد ترامب ومؤیدیه من حرکتِ MAGA. وكانت تلك القوانينُ «الأول» فی التکلم؛ وعندما يتکلم وحشُ الأرضِ کتین فی «آخره»، ستكونُ القوانينُ شديدةً الشیء بها. وإن کونَ ظرفِ التاريخِ الحاضرِ یعکس علی نحوِ کاملِ المنطقِ الذي لأجله تکرر هذه القوانينُ هو توقيعُ المسیح بوصفیه الألفِ والیاء. وفي وسطِ «تکلم» وحشِ الأرضِ سنۃ 1863، کان إعلانُ التحریرِ الصادرُ عن أولِ رئیسِ جمہوری.

اعلامیہ آزادی، نقطہ دقیق میانی جنگ داخلی را مشخص کرد؛ و از این رو، تعریف واژہ عبری «حقیقت» در سہ نشانہ راہ سخن گفتن وحش زمین یافت می شود۔ نخستین حرفِ الفبای عبری همان حرفِ آخر است، و سیزدهمین حرف، نمادِ عصیان است۔

در این مقطع باید مورد توجہ قرار گیرد کہ سال ۱۸۶۳، و شورشی کہ در آنجا شناسایی شدہ است، همچنین در کلیسای ادونتیست لائودیکہ کہ بہ وسیلہ شاخ پروتستان نمایان شدہ است، در همان زمانی تحقق یافت کہ شاخ جمہوری خواہ در حال آشکار ساختن یک شورش سیاسی بود۔ ماہیت دوگانہ شاخ پروتستان از طریق گذار جنبش ادونتیستی فیلادلفیایی بہ کلیسای ادونتیست لائودیکہ شناختہ شد، و ماہیت دوگانہ شاخ جمہوری خواہ در مناقشہ میان موضع طرفدار برہداری حزب دموکرات، کہ حزب ضد برہداری جمہوری خواہ و نخستین رئیس جمہور جمہوری خواہ را پدید آورد، شناختہ گردید۔

اولین رئیس جمہور جمہوری خواہ در میانہ امضای نبوی سہ مرحلہ ای «حقیقت» قرار دادہ شدہ است۔ از این رو، او پایان دورہ نخست و آغاز دورہ دوم است؛ همان گونه کہ صلیب، پایان سہ سال و نیم خدمت شخصی مسیح بود، و نیز آغاز سہ سال و نیم خدمت او در شخص شاگردانش۔ آغاز خدمت شخصی او در تعمیدش بود، کہ بہ طور نمادین نمایانگر مرگ او بود، و آن دورہ با مرگ او پایان یافت۔ مرگ او خدمت شاگردانش را آغاز کرد، خدمتی کہ با مرگ شاگرد او، استیفان، پایان پذیرفت۔

«سخن گفتن» قوانین بیگانگان و فتنہ در سال 1798 آغاز دورہ ای بود کہ با «سخن گفتن» اعلامیہ آزادی بردگان بہ پایان رسید۔ اعلامیہ آزادی بردگان آغاز دورہ دومی را رقم زد کہ ہنگامی پایان می یابد کہ ایالات متحدہ همچون اژدہا «سخن بگوید»۔ رئیس جمہوری کہ در سال 1863 «سخن گفت»، نخستین رئیس جمہور جمہوری خواہ بود؛ بنابراین، آخرین رئیس جمہور نیز جمہوری خواہ خواہد بود۔

وہاں دو تحریکیں ہیں جو مکاشفہ باب چودہ کے تین فرشتوں کے ذریعہ پیدا ہوتی ہیں۔ پہلے اور دوسرے فرشتے کے پیغامات ملیری تحریک کے وسیلہ سے پیش کیے گئے، جس نے بغاوت کی اور 1863 میں ایک سرکاری کلیسیا بن گئی۔ یسوع ہمیشہ کسی چیز کے انجام کو اس کے آغاز کے ساتھ واضح کرتا ہے۔ تیسرے فرشتے کی تحریک، جو مکاشفہ باب اٹھارہ کے زور آور فرشتے بھی ہے، تین فرشتوں کی دو تحریکوں میں سے آخری ہے۔ جو کچھ 1798 میں حقیقی پروٹسٹنٹ سینگ کی ایک تحریک کے طور پر شروع ہوا، وہ 1863 کی بغاوت میں ایک کلیسیا میں منتقل ہو گیا، اور جب زمین کے درندے کی تاریخ عنقریب آنے والے اتوار کے قانون پر اپنے اختتام کو پہنچے گی، تو 1863 کی باغی کلیسیا دوبارہ ایک غیر سرکاری تحریک میں منتقل ہو جائے گی، کیونکہ جو چیز ایک تحریک کے طور پر شروع ہوتی ہے وہ ایک تحریک کے طور پر ہی ختم ہوتی ہے۔

در گذارهای شاخ پروتستان در آغاز و انجام، یک جنبش به کلیسا تبدیل می‌شود، و سپس در پایان بار دیگر به جنبش باز می‌گردد. در نخستین نقطه گذار، در آغاز، فیلادلفیا به لائودیکه تبدیل شد، و در نقطه گذار پایان، لائودیکه دوباره به فیلادلفیا تبدیل می‌شود.

برای شاخ جمهوری خواه، نقطه انتقال همان تاریخ منتهی به جنگ داخلی بود که حزب جمهوری خواه را پدید آورد. برای شاخ پروتستان، نقطه انتقال سال‌های ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۳ بود که همان تاریخ یکسان انتقال برای شاخ جمهوری خواه نیز بود. حزب جمهوری خواه ضد برده‌داری که در ۱۸۵۴ تأسیس شد، نخستین مجمع ملی خود را در ۱۸۵۶ برگزار کرد. برای شاخ پروتستان، نماد ترمز سازمان‌یابی قانونی یک کلیسا بود. برای شاخ جمهوری خواه، حزب دموکرات طرفدار برده‌داری نماد ترمز است.

فرشته سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برای بار دوم به قادیس بازگشت و انتقال از کلیسا به جنبش در ساختار نبوی مثل ده باکره آغاز شد. نخستین نومیدی در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ در تحقق نهایی و کامل مثل ده باکره رخ داد، و در همان سال، ششمین رئیس‌جمهور از زمان آخر در ۱۹۸۹، یعنی آن رئیس‌جمهوری که می‌بایست قلمرو یونان را «برانگیزد»، از نظر سیاسی «زخمی مهلک» دریافت کرد، همان‌گونه که نخستین رئیس‌جمهور جمهوری خواه نیز زخم مهلکی حقیقی دریافت کرد.

د باران اخیر اندازه‌گیری شده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، و تا قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد ادامه می‌یابد؛ جایی که سپس باران اخیر بی‌اندازه فرو ریخته می‌شود. باران اخیر همان قدرتی است از اعلیٰ، و خواهر وایت مکرراً تصریح می‌کند که در زمانی که قدرتی از بالا نازل می‌شود، قدرتی شیطانی از زیر صعود خواهد کرد. در کتاب مکاشفه سه قدرت شیطانی وجود دارد که از چاه بی‌انتهای شیطان صعود می‌کنند. اسلام در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از چاه بی‌انتهای صعود کرد، در توافق با دودی که در مصیبت نخست، در باب نهم، از چاه بی‌انتهای برخاست.

اور پانچویس فرشته نے نرسنگا پھونکا، اور میں نے ایک ستارے کو آسمان سے زمین پر گرتا ہوا دیکھا، اور اسے اتھاہ گڑھے کی کنجی دی گئی۔ اور اس نے اتھاہ گڑھا کھولا؛ اور اس گڑھے میں سے ایک بڑے بھٹے کے دھوئیں کی مانند دھواں اٹھا؛ اور اس گڑھے کے دھوئیں کے سبب سورج اور ہوا تاریک ہو گئے۔ اور اس دھوئیں میں سے ٹڈیاں زمین پر نکل آئیں؛ اور انہیں قدرت دی گئی، جیسی زمین کے بچھوؤں کو قدرت حاصل ہوتی ہے۔ اور انہیں حکم دیا گیا کہ وہ نہ زمین کی گھاس کو نقصان پہنچائیں، نہ کسی ہری چیز کو، نہ کسی درخت کو؛ بلکہ صرف ان لوگوں کو جن کی پیشانیوں پر خدا کی مہر نہیں ہے۔ مکاشفہ 9:1-4۔

جب تیسرے بائے کا اسلام 11 ستمبر 2001ء کو، جیسا کہ پہلے بائے سے نمونہ دیا گیا تھا، وارد ہوا، تو وہ ان لوگوں کو نقصان نہ پہنچا سکا جن پر خدا کی مہر تھی؛ یوں ایک لاکھ چوالیس ہزار کی مہر بندی کے آغاز کی نشاندہی ہوئی۔ مہر بندی کا اختتام ریاستہائے متحدہ میں عنقریب آنے والے اتوار کے قانون پر ہوتا ہے، اور یہی وہ مقام ہے جہاں وہ سمندری درندہ، جسے ایک جان لیوا زخم لگا تھا اور جسے فراموش کر دیا گیا تھا، اتھاہ گڑھے سے اوپر آتا ہے تاکہ سات میں سے ہو کر اٹھویں سلطنت بن جائے۔

وحشی کہ دیدی، بود و نیست؛ و از ہاویہ برخواید آمد و بہ ہلاکت خواہد رفت. و ساکنان زمین، آنان کہ نام‌هایشان از بنیاد عالم در دفتر حیات نوشته نشده است، چون آن وحش را بنگرند کہ بود و نیست و با این حال ہست، در شگفت خواهند شد. مکاشفہ 17:8

دوران نبوی مہر شدن یک صد و چهل و چہار ہزار تن با قدرتی آغاز شد کہ از ہاویہ برمی‌خاست، و با قدرتی کہ از ہاویہ برمی‌خیزد بہ پایان خواہد رسید. در میانہ آن تاریخ، وحش الحاد، قدرت اژدہایی «ووک» نیز از ہاویہ برمی‌خیزد تا آن دو شاہد را بکشد. آلفا و امگا امضای خود را بر این تاریخ نہاد.

و چون شهادت خود را به پایان رسانند، آن وحش که از هاویه برمی‌آید، با ایشان جنگ خواهد کرد و بر ایشان غلبه خواهد یافت و ایشان را خواهد کشت. و اجساد ایشان در کوی آن شهر بزرگ خواهد افتاد؛ شهری که از لحاظ روحانی، سدوم و مصر خوانده می‌شود، همان‌جا که خداوند ما نیز مصلوب گردید. و مردمانی از قوم‌ها و قبیله‌ها و زبان‌ها و امت‌ها، اجساد ایشان را سه روز و نیم خواهند دید و نخواهند گذاشت که اجساد ایشان در قبرها نهاده شود. و ساکنان زمین بر ایشان شادی خواهند کرد و وجد خواهند نمود و به یکدیگر هدایا خواهند فرستاد، زیرا این دو نبی ساکنان زمین را عذاب می‌دادند. و پس از سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا در ایشان داخل شد، و بر پاهای خود ایستادند؛ و ترسی عظیم بر آنان که ایشان را دیدند، مستولی گردید. مکاشفه ۱۱:۷-۱۱

در سال ۲۰۲۰، شاخ‌های جمهوری‌خواه و پروتستان حقیقی کشته شدند. یکی به‌دست قدرت‌آزدهایی سیاسی الحاد، و دیگری به‌دست قدرت‌آزدهایی روحانی الحاد. سپس آنان برای مدتی که به‌صورت سه روز و نیم نمادپردازی شده است، مرده بودند؛ پس از آن بر پای‌های خود ایستادند، و ترس عظیمی بر کسانی که به‌عنوان قدرت‌آزدهایی نمایش داده شده‌اند، فرو افتاد. ترسی که اکنون از سوی دموکرات‌های مترقی در برابر ظهور دوبارهٔ اقتدار سیاسی دونالد ترامپ ابراز می‌شود، تحقق نبوت است. «ترسی» که از سوی کسانی ابراز می‌شود که از خدمت Future for America پیروی کرده‌اند، نمایانگر نوعی متفاوت از ترس است.

آنان که باید از پیام «America for America» بترسند، ادونت‌یست‌های لائودکیایی‌اند، که همگی فراخوانده شده بودند تا در شمار آن یکصد و چهل و چهار هزار باشند. اما چون لائودکیاییانی تثبیت‌شده‌اند و در نسل چهارم زندگی می‌کنند، که همان نسل‌های افعی‌زادگان و زناکاران است، هیچ ترسی در خود ندارند. آن ترسی که باید بدان چنگ زنند، همان انجیل جاودان است که به انسان‌ها فرمان می‌دهد: «از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا ساعت دآوری او فرا رسیده است.»

آن ساعت، ساعت زلزلهٔ عظیم است؛ زلزله‌ای که هنگامی واقع می‌شود که دو شاهد یکصد و چهل و چهار هزار تن به‌عنوان علم برافراشته می‌شوند، درست در همان زمان که کلیسای لائودیکیه از دهان خداوند بیرون افکنده می‌شود.

ما این مطالعه را در مقالهٔ بعدی ادامه خواهیم داد.

«و چون شهادت خود را به پایان رسانند، آن وحش که از هاویه برمی‌آید با ایشان جنگ خواهد کرد و بر ایشان غلبه خواهد یافت و ایشان را خواهد کشت. و اجساد ایشان در کوچه شهر عظیم خواهد افتاد؛ شهری که از جهت روحانی سدوم و مصر خوانده می‌شود، همان‌جا که خداوند ما نیز مصلوب شد.» [مکاشفه ۱۱:۷، ۸]

“این رویدادها می‌بایست نزدیک به پایان آن دوره‌ای رخ دهند که در آن شاهدان در پلاس شهادت می‌دادند. شیطان به‌واسطهٔ دستگاه پاپی، مدت‌ها بود که قدرت‌هایی را که در کلیسا و دولت فرمان می‌راندند، زیر سلطهٔ خود داشت. نتایج هولناک آن، به‌ویژه در کشورهایی که نور اصلاحات را رد کرده بودند، آشکار بود. حالتی از پستی و فساد اخلاقی وجود داشت که مشابه وضعیت سدوم درست پیش از هلاکت آن، و نیز همانند بت‌پرستی و تاریکی روحانی‌ای بود که در ایام موسی بر مصر حاکم بود.” روح نبوت، جلد ۴، ۱۹۰.